



The Protective Scope of the Criminal Regulations of Iran and Egypt in Case of Necessity

Saeed Abdollah Yar ¹, Seyed Ahmad Mirkhalili ², Seyed Mostafa Mirmohammadi Meybodi ³,
Nafiseh Motavallizadeh Naeini ⁴

1. PhD Student, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Theology and Islamic Studies, Meybod University, Iran, Meybod, Email: s.abdollahyar@gmail.com
2. Assistant Professor, Department of Islamic Jurisprudence and Law, Faculty of Theology and Islamic Studies, Meybod University, Iran, Meybod, (Corresponding Author), Email: mirkhalili@meybod.ac.ir
3. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Theology and Islamic Studies, Meybod University, Iran, Meybod, Email: mirmohammadi@meybod.ac.ir
4. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Theology and Islamic Studies, Meybod University, Iran, Meybod, Email: motavallizadeh@meybod.ac.ir

Abstract

In Article 152 of the Islamic Penal Code regarding the subject scope of the state of necessity, the Iranian legislator has adopted a limited and subject-oriented (instead of situation-oriented) approach, by mentioning the two subjects of "self" and "property", and remained silent on other issues, such as one's honor and that of others. The current research was carried out with the descriptive-analytical method and with the aim of studying the subject scope of the state of necessity in Iranian regulations and its compliance with the basics and comparison with Egyptian criminal regulations. As a finding and in explaining the scope of the subject, considering the evidence and foundations, a person can rely upon this justifying factor for the protection of various subjects such as life and physical integrity, honor, one's or another's property, as well as social interests and benefits, and with an individual selectivity. The Egyptian Penal Code, adopting a situation-based approach and using the general term "self-defense" has chosen a broad approach and has not limited it to a specific subject. This holistic approach has allowed the Egyptian legislator to address issues of necessity with greater flexibility, and at the same time, leave judges free to interpret and apply the law to the specific circumstances of each case. This difference in the approach of the two legal systems indicates a disagreement in attitude towards the concept of a state of necessity and its limits. While Iran, by emphasizing specific aspects, seeks to establish clear and limited frameworks, Egypt, with a more general approach, provides more room for judicial interpretation and flexibility in dealing with various cases.

Keywords: State of necessity, public interest, individual and collective interests, justification for committing a crime, prevention of danger.

Received: 07/02/2025

Revised: 05/04/2025

Accepted: 10/04/2025

How To Cite: Abdollah Yar, Saeed, Mirkhalili, Seyed Ahmad, Mirmohammadi Meybodi, Seyed Mostafa & Motavallizadeh Naeini, Nafiseh (2025). The Protective Scope of the Criminal Regulations of Iran and Egypt in Case of Necessity, *Criminal Law Doctrines of Islamic Countries*, 2 (2), 130-149. <https://doi.org/10.22091/dcl.2025.12323.1049>

Published by: University of Qom

© The Author(s)

Article type: Research



گستره حمایتی مقررات کیفری ایران و مصر در حالت ضرورت

سعید عبدالله یار^۱، سید احمد میرخلیلی^۲، سید مصطفی میرمحمدی میبدی^۳، نقیسه متولی زاده نائینی^۴

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه میبد، ایران، میبد، رایانامه: s.abdollahyar@gmail.com
۲. استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه میبد، ایران، میبد، (نویسنده مسئول)، رایانامه: mirkhalili@meybod.ac.ir
۳. استادیار گروه حقوق دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه میبد، ایران، میبد، رایانامه: mirmohamadi@meybod.ac.ir
۴. استادیار گروه حقوق دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه میبد، ایران، میبد، رایانامه: motavallizadeh@meybod.ac.ir

چکیده

قانون‌گذار ایران در ماده ۱۵۲ از قانون مجازات اسلامی در خصوص دامنه موضوعی حالت ضرورت، با ذکر دو موضوع «نفس» و «مال» رویکردی محدود و موضوع‌محور (به‌جای موقعیت‌محور) را اتخاذ نموده است و نسبت به دیگر موضوعات همچون عرض خود و دیگری، سکوت اختیار نموده است. پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی و با هدف بررسی گستره موضوعی حالت ضرورت در مقررات ایران و انطباق آن با مبانی و مقایسه با مقررات کیفری مصر انجام شده است. به‌عنوان یافته و در مقام تبیین گستره موضوع، با توجه به ادله و مبانی، فرد می‌تواند برای صیانت از موضوعات مختلفی همچون، جان و تمامیت جسمانی، عرض، مال خود و یا دیگری و همچنین منافع و مصالح اجتماعی و با یک گزینشگری فردی به این عامل موجهه استناد نماید. قانون جزای مصر با اتخاذ رویکرد موقعیت‌محور و با بیان کلی «محافظت از خود»، رویکرد موسعی را برگزیده است و آن را محدود به موضوع خاصی نکرده است. این رویکرد کلی‌نگرانه به قانون‌گذار مصر این امکان را داده است تا با انعطاف بیشتری به مسائل حالت ضرورت پردازد و درعین حال، قضات را در تفسیر و تطبیق قانون با شرایط خاص هر پرونده آزاد بگذارد. این تفاوت در رویکرد دو نظام حقوقی نشان‌دهنده اختلاف در نگرش به مفهوم حالت ضرورت و حدود آن است. درحالی‌که ایران با تأکید بر جنبه‌های خاص، سعی در ایجاد چارچوب‌های مشخص و محدود دارد، مصر با رویکردی کلی‌تر، فضای بیشتری برای تفسیر قضایی و انعطاف در برخورد با موارد مختلف فراهم می‌کند.

کلیدواژه‌ها: حالت ضرورت، مصلحت عمومی، منافع فردی و جمعی، توجیه ارتکاب جرم، دفع خطر.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۹

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۱/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۲۱

استاد: عبدالله یار، سعید؛ میرخلیلی، سید احمد؛ میرمحمدی میبدی، سید مصطفی؛ متولی زاده نائینی، نقیسه (۱۴۰۴). گستره حمایتی مقررات کیفری ایران و مصر در حالت ضرورت، *آموزه‌های حقوق کیفری کشورهای اسلامی*، (۲۲)، ۱۴۹-۱۳۰. <https://doi.org/10.22091/dcl.2025.12323.1049>



نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان

ناشر: دانشگاه قم

مقدمه

در مقررات کیفری ایران و مصر ازجمله عوامل مؤثر در عدم شکل‌گیری مسئولیت کیفری، «حالت ضرورت» است. این مفهوم به موقعیتی اشاره دارد که فرد برای حفظ منافع یا مصالح مهم‌تر، چاره‌ای جز ارتکاب عملی مجرمانه ندارد. در مقررات اسلامی نیز، حالت ضرورت به‌عنوان یکی از عوامل موجهه جرم شناخته می‌شود که با زوال عنصر قانونی جرم، تحت شرایط خاص، ارتکاب عمل مجرمانه برای فرد مضطر جایز شمرده می‌شود. با وجود اهمیت این نهاد در رفع گرفتاری‌ها و ایجاد گشایش در زندگی افراد، موضوعات مورد حمایت در این زمینه به‌طور مستقل بررسی نشده و حدود آن به‌طور دقیق تعیین نگردیده است.

در دیدگاه فقیهان، هنگام توصیف موضوعات مورد حمایت و تعیین دامنه شمول حالت ضرورت، ابهاماتی وجود دارد. از آنجاکه فرد ممکن است برای حفظ مصالح مختلف فردی یا اجتماعی ناچار به ارتکاب حرام یا عمل مجرمانه شود، این موضوع به‌طور مبهم باقی مانده و این ابهام به قوانین نیز تسری یافته است. پرسش اصلی این است که فرد در مواجهه با چه تهدیداتی و برای حفظ کدام یک از مصالح فردی یا اجتماعی مانند جان، تمامیت جسمانی، آبرو و مال خود یا دیگران مجاز به اقدام است؟ این مسئله می‌تواند به‌عنوان محور اصلی مطالعه مقررات مرتبط با حالت ضرورت قرار گیرد. به نظر می‌رسد در مقررات شرعی، بر اساس اطلاق آیات و فلسفه تشریع حالت ضرورت و در مقررات موضوعه با استناد به قوانین مرتبط، فرد برای حفظ منافع مهم فردی مانند جان، آبرو و مال، خواه این خطر متوجه خود او باشد یا دیگری و همچنین برای حفظ مصالح جمعی با اولویت مضاعف، می‌تواند از امتیاز معافیت ناشی از حالت ضرورت بهره‌مند شود.

در این پژوهش، در ابتدا مفهوم حالت ضرورت بررسی شده و دامنه حمایت از فرد و جامعه در این حالت، بر اساس ادله شرعی و مقررات کیفری ایران و مصر تحلیل می‌شود. در پایان، با ارزیابی و نقد وضعیت موجود، پیشنهادهایی ارائه خواهد شد که می‌تواند به فراگیری بیشتر و انطباق بهتر با مبانی تجویز و تشریع اقدام در حالت ضرورت بینجامد.

۱. تبیین مفهوم ضرورت

ضرورت از واژه ضرر مشتق شده و اسم مصدر برای اضطراب است. اضطراب نیز مصدر باب افتعال و به معنای ناچاری و درماندگی است؛ مانند اینکه خداوند در جایگاه رفع حالت درماندگی از بندگان گرفتار در قرآن می‌فرماید: «آن کس که دعای بیچاره مضطر را به اجابت می‌رساند و رنج و غم آنان را برطرف می‌سازد»^۱

۱. أَتَىٰ يَجِيبُ الْمُضْطَّرَّ إِذَا دَعَا وَيَكْشِفُ السُّوءَ (سوره نمل: آیه ۶۲).

برخی از اهل لغت نیز گفته‌اند: «اضطرار، احتیاج پیدا کردن به چیزی و ناچار شدن به آن است» (ابن منظور، ۱۱۱۹: ۲۵۷۳). اگرچه هر حاجتی همراه با نوعی مشقت و سختی است، اما اضطرار مرتبه‌ای از حاجت است که بدون آن هلاک اتفاق می‌افتد (عبدالرحمن، بی‌تا: ۵۴۹) و در نتیجه عروض چنین وضعیتی اختیار از فرد سلب و برای رهایی از آن ناگزیر از ارتکاب معصیت می‌شود (حمیری، ۱۴۲۰: ۳۹۰۶). طبق معنای لغوی و در مقام تعریف حالت ضرورت می‌توان بیان داشت: «حالت ضرورت: موقعیتی است تهدید کننده که هرگاه فرد در آن قرار گیرد، برای رهایی و حفظ منفعت و مصلحت مهم‌تر و دفع مفسده بیشتر از خود و یا دیگری، چاره‌ای جز ارتکاب فعل نهی شده ندارد» (شمس ناتری و عبدالله یار، ۱۳۹۰: ۴۹). با توجه به سابقه شرعی حالت ضرورت، در ادامه موضوع ضرورت در مقررات شرعی مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس به مطالعه موضوع در مقررات موضوعه ایران و مصر خواهیم پرداخت.

۲. دامنه ضرورت در ادله شرعی

در فرآیند استنباط احکام شرعی و تعیین تکالیف، آیات قرآن به‌عنوان مهم‌ترین دلیل شرعی در بیان احکام میان مسلمانان شناخته می‌شود. در قرآن کریم، پنج آیه به‌طور مستقیم به موضوع مشروعیت اقدام در حالت ضرورت پرداخته‌اند که در ادامه به بررسی آن‌ها خواهیم پرداخت.

۲-۱. آیات قرآن

در این بخش، با طرح این سؤال که آیا آیات مرتبط با حالت ضرورت محدودیتی را از حیث موضوع برای فرد مضطر ایجاد می‌کنند یا خیر؟ به بررسی اطلاق یا تقیید این آیات در خصوص موضوعات مجاز در چنین وضعیتی خواهیم پرداخت.

۲-۱-۱. سوره بقره آیه ۷۳

خداوند در این آیه می‌فرماید: «خداوند تنها (گوشت) مردار و خون و گوشت خوک و آنچه نام غیر خدا به هنگام ذبح بر آن گفته شود را بر شما حرام کرده است. آن کس که (به خوردن) ناچار شود درحالی که ستمگر و متجاوز نباشد، گناهی بر او نیست». طبق این آیه، در حالت اضطرار، خوردن مردار، خون، گوشت خوک و آنچه نام غیر خدا بر آن برده شده، جایز است و حکم حرمت برای فرد گرفتار در حالت ضرورت برداشته می‌شود. برخی از مفسران با استناد به واژه «أثماً» که از ادات حصر است، معافیت را منحصر به موارد ذکر شده در آیه می‌دانند (طیب، ۱۳۷۸: ۲۹۸). بر این اساس، فقط این چهار مورد مجاز هستند و نمی‌توان این حکم را به موارد دیگر تسری داد؛ بنابراین، این آیه دلیل اخصی برای مدعا است (قبله‌ای خویی، ۱۳۸۰: ۴۰).

از سوی دیگر، با توجه به موضوعات خوراکی ذکر شده در آیه، این آیه در مقام بیان موقعیت‌هایی است که خطر متوجه جان انسان می‌شود؛ بنابراین، اقدام فرد مضطر محدود به حفظ جان است. قیود مندرج در آیه (غیر باغ و غیر عاد) به فرد مضطر مربوط می‌شود و نمی‌تواند قیدی برای موضوع اضطرار باشد و محدودیتی از این حیث ایجاد کند.

۲-۱-۲. سوره انعام آیه ۱۱۹

در این آیه آمده است: «چرا از آنچه نام خدا بر آن ذکر شده نمی‌خورید، در صورتی که آنچه خدا بر شما حرام کرده به تفصیل بیان نموده جز آنچه به آن ناگزیر می‌شوید». خداوند در این آیه ابتدا خوراکی‌های حرام را ذکر کرده و سپس حالت ضرورت را از آن استثنا نموده است. مفاد این آیه از حیث موضوع نسبت به آیه قبل گسترده‌تر است و شامل همه خوراکی‌های حرام برای رهایی از حالت ضرورت می‌شود. با ذکر «تاکلوا»، این آیه همچنان محدود به خوردنی‌ها و در نتیجه حفظ جان است؛ اما حکم «إِلَّا مَا اضْطُرِرْتُمْ» به میته و ذبیحه و مانند آن‌ها اختصاص ندارد، بلکه به‌طور کلی در حالت اضطرار می‌توان به‌طور موقت واجبی را ترک کرد یا حرامی را مرتکب شد، زیرا معیار حجیت، اطلاق وارد است نه خصوصیت مورد (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۶۳۹). بنابراین، این آیه در مقام بیان حکم کلی در خصوص موضوع است.

۲-۱-۳. سوره انعام آیه ۱۴۵

در این آیه آمده است: بگو: «در بین آیات و احکامی که به من وحی شده، چیزی نمی‌بینم که خوردنش برای مصرف‌کننده‌ها حرام باشد؛ مگر مثل حیوانِ مرده یا خونی که وقتِ سربردن حیوان بیرون می‌ریزد یا گوشت خوک که این‌ها همه پلیدند، یا حیوانی که وقت سربردن، از سرِ نافرمانی، نام غیرخدا بر آن برده‌اند. البته کسی که برای حفظ جان، آن‌هم با بی‌میلی و به‌اندازه ضرورت، مجبور به خوردنش شود، گناهی به گردنش نیست؛ زیرا خدا آمرزندهٔ مهربان است.» در این آیه، در ارتباط با محرمات ذکر شده، سخن از پلیدی (رجس) به میان می‌آید که نشان‌دهنده وجود مفسده در موارد نهی شده است. بنابراین، تجویز خوردن موارد همچون میته و گوشت خوک، آثار وضعی چنین تناولی را از بین نمی‌برد و آثار جسمانی خود را بر فرد خواهد گذاشت. جواز تناول در چنین مواردی در راستای دفع خطر مهم‌تر است و در ماهیت موارد مذکور تغییری ایجاد نمی‌کند. برخی با استناد به عبارت پایانی آیه که خداوند دو وصف بخشندگی و مهربانی را مطرح کرده است، بر این باورند که ملاک حرمت همچنان پابرجاست و اجازه داده شده صرفاً از باب گشایش و رخصت

است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴۲۶). در بخش پایانی نیز با ذکر عبارت «فمن اضطر» که بیانگر نوعی عمومیت است، موضوع را به شرایط فرد مضطر و رعایت وضعیت او توسعه می‌دهد.

۴-۱-۲. سوره نحل آیه ۱۱۵

«خدا فقط خوردن چیزهای نجس و نامطبووع را بر شما حرام کرده است مثل: گوشت حیوان مرده، خون، گوشت خوک و حیوانی که وقت سربریدن نام غیر خدا بر آن برده‌اند. ولی کسی که برای حفظ جان، آن‌ها را با بی‌میلی و به‌اندازه ضرورت، مجبور به خوردنش شود، گناهی به گردنش نیست؛ چون خدا آمرزندهٔ مهربان است.» در این آیه نیز همچون آیه ۱۷۳ سوره بقره، خداوند با ذکر دو قید «و لا عاد» و «غیر باغ»، شرط معافیت و استفاده از امتیاز حالت ضرورت را فقدان قصد تجاوز و تعدی می‌داند.^۱ بنابراین، فرد گرفتار برای رها شدن از چنین وضعیتی باید به میزان رفع حالت ضرورت بسنده کند. در اضطرار بر اثر سوء اختیار، مضطر می‌تواند از آن استفاده کند؛ ولی اصل حرمت محفوظ است. بنابراین، تجاوزگر بر امام مسلمانان (مالک بن انس، ۱۴۰۶: ۲۳۴) و بر نظام اسلامی یا رهن، در صورت اضطرار برای حفظ حیات خود مجاز به استفاده از اعیان محرم است، لیکن حرمت آن‌ها محفوظ است؛ یعنی آنان با غذای حرام می‌توانند جان‌شان را حفظ کنند (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۳۳۰).

۵-۱-۲. سوره مائده آیه ۳

در این آیه آمده است: «خوردن این‌ها بر شما حرام است: حیوان مرده، خون، گوشت خوک، حیوان حلال‌گوشتی که با نام غیر خدا سر بریده شود، حیوانی که خفه شده یا با کتک خوردن یا پرت شدن از بلندی یا با شاخ زدن حیوان دیگری تلف شده باشد و نیز نیم‌خوردهٔ درندگان؛ مگر آنکه تا نمرده‌اند، سرشان را ببرید. حیوانی هم که در برابر بت‌ها قربانی شده و گوشتی که با قماربازی تقسیم کرده‌اید، بر شما حرام است. همهٔ این کارها انحراف از دستورهای خداست. البته هرکه به گرسنگی شدید دچار شود و به‌اندازهٔ ضرورت و با بی‌میلی مجبور به خوردنش شود، سهل‌انگاری نکرده؛ زیرا خدا آمرزندهٔ مهربان است. امروز با انتخاب جانشین پیامبر، دشمنان بی‌دینتان از نابودی دینتان ناامید شدند؛ بنابراین دیگر از آن‌ها ترسید و فقط از من حساب ببرید. امروز مجموعهٔ دینتان را کامل کردم، نعمت ولایت را بر شما تمام ساختم و راضی‌ام از اینکه دینتان اسلام باشد.» در این آیه نیز خداوند ابتدا محرماتی همچون میته و گوشت خوک را برشمرده و فرد

۱- «...أن تدفع الضرورة بالقدر اللازم لدفعها، فليس له أن يتجاوز حده؛ قال الله تعالى «فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ...» و قد فسرهما السيد الأستاذ الطباطبائي رحمه الله بقوله: «أي غير ظالم ولا متجاوز حده.» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۷۲۶).

مضطّر و ناچار به استفاده از آن‌ها را از مجازات معاف می‌کند. برخی با اتخاذ رویکردی محدود، «مخمصه» ذکر شده در آیه را با لحاظ محدوده مورد تجویز در آیه، محدود به شرایط خاص مرتبط با گرسنگی شدید دانسته‌اند (حسنی، ۱۴۱۱: ۶۰). در این آیه نیز همچون آیات قبلی، تجویز اقدام مربوط به زمانی است که فرد در حالت ناچاری و گرفتاری (مخمصه) باشد. برخی فقها بیان داشته‌اند که این احکام تنها بر کسی مترتب است که در حالت ناگزیری محض قرار گرفته باشد^۱ و صرف خوف کفایت نمی‌کند. بنابراین، در این آیه، وضعیت ناچاری و گرفتاری^۲ مورد توجه قرار گرفته و محدودیت خاصی از حیث موضوع متوجه شخص مضطّر و گرفتار در مخمصه نیست.

با توجه به آیات ذکر شده، می‌توان بیان داشت که اگرچه مصادیق غالب در آیات ناظر به خوردنی‌ها است، اما با ذکر «فمن اضطر» و «ما اضطررتم»، نوعی اطلاق موضوعی و پذیرش موقعیت مخاطره‌آمیز که فرد را در ناچاری از اقدام برای حفظ خود قرار داده است، مورد پذیرش است.

۲-۲. سنت

در منابع دینی، روایات متعددی دلالت بر مشروعیت اقدام در حالت ضرورت دارد که مهم‌ترین آن‌ها حدیث رفع است. مطابق با حدیث رفع، امام صادق علیه السلام از قول پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: «رفع عن امتی تسع خصال، الخطا و النسیان و ما لا یعلمون و ما لا یطیقون و ما اضطروا الیه و ما استکروهوا علیه و الطیرة و الوسوسة فی التفرک فی الخلق و الحسد ما لم یظهر بلسان او ید» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۳۶۹). بسیاری از فقیهان، از جمله شیخ انصاری و میرزای نائینی، حدیث رفع را از حیث سند جزو احادیث صحیح می‌دانند و برای مشروعیت اقدام در حالت ضرورت به آن قسمت از روایت استناد می‌شود که می‌فرماید: «وما اضطروا الیه». طبق قول مشهور، معنای عبارت این است که در مورد اقدامات فرد گرفتار، مؤاخذه‌ای نخواهد بود. همچنین، رفع مسئولیت در حالت ضرورت از باب امتنان و لطف از جانب خداوند نسبت به فرد گرفتار و در راستای گشایش بر او است. بنابراین، در هر موقعیتی که رفع اثر از عمل مشتمل بر امتنان و گشایش نباشد، نمی‌توان به آن استناد کرد.^۳ در این روایت، محدوده خاصی از حیث موضوع مشخص نشده است و با توجه به استفاده از «ما» موصوله در کنار «اضطروا الیه»، می‌توان به اطلاق موضوعی آنکه هم شامل موضوعات فردی و هم موضوعات اجتماعی است، تمسک جست.

۱. «أن تكون الضرورة قائمة لا منتظرة، بمعنى أنه ليس للجائع أن يأكل الحرام قبل الوقوع في جوع يخشى منه» (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷: ۱۷۴).

۲. با معیار عرفی (مازندرانی، ۱۴۱۷: ۸۳).

۳. ر. ک: (عبداللهی علی بیگ، ۱۳۸۳: ۹۸).

۳-۲. عقل و سیره عقلا و اجماع

یکی دیگر از ادله استنباط احکام، عقل است. دلیل عقلی به دلیلی گفته می‌شود که از مقدمات عقلی ترکیب شده و نتیجه آن نیز عقلی باشد (مظفر، ۱۳۷۰: ۱۸۹). بدون تردید، عقل حکم می‌کند که در هنگام رفتاری و خطر، ارتکاب حرام و جرم به منظور حفظ مصلحت بزرگ‌تر جایز باشد،^۱ زیرا دفع ضرر و زیان به حکم عقل واجب است، خواه آن ضرر متوجه یک مصلحت فردی باشد یا جمعی، خواه ضرر متوجه نفس، عرض و آبرو باشد یا مال. ویژگی مهم این دلیل این است که افزون بر جواز ارتکاب محرمات، ترک واجبات را نیز جایز می‌کند، زیرا ملاک حکم عقل در هر دو مورد وجود دارد، برخلاف ادله دیگر که تعمیم آن‌ها نسبت به ترک واجبات نیاز به الغای خصوصیت یا تنقیح مناط دارد (رحمانی، ۱۳۷۶: ۱۶۸). بر اساس سیره عقلا نیز می‌توان مشروعیت اقدام در حالت ضرورت و دامنه توسعه‌یافته آن را اثبات کرد. عقلای عالم در موارد رفتاری، از ممنوعیت‌های قانونی چشم‌پوشی کرده و فرد مضطر را مجازات نمی‌کنند. در قوانین کیفری بسیاری از کشورها، حالت ضرورت می‌تواند توجیهی مورد قبول برای نقض قانون باشد. در میان همه اقوام و ملل، متهمانی که به دنبال استناد به این دفاع هستند، استدلال می‌کنند که آن‌ها نباید در قبال اعمال خود به‌عنوان مجرم شناخته شوند، زیرا رفتار آن‌ها برای جلوگیری از آسیب بزرگ‌تر ضروری بوده است. از حیث محدوده اقدام نیز به هنگام ضرورت، سیره عقلا در همه امور جاری است و دلیلی ندارد موضوع خاصی را تخصیص بزنیم.

شایان ذکر است که ادله مذکور در بالا، چه در بحث آیات و چه روایات رسیده از جانب معصومین علیهم‌السلام، می‌تواند به‌عنوان امضا و تأیید سیره عقلا از سوی شارع محسوب شود، زیرا در چنین وضعیتی یکی از شرایط عامه تکلیف (اختیار) منتفی شده و حکم بر مکلف فعلیت نخواهد یافت. در میان شیعیان، یکی دیگر از ادله شرعی، اجماع است. اجماع در لغت به معنای اتفاق نظر یا عزم بر کاری و در اصطلاح فقهی اتفاق نظری است که می‌تواند حکم شرعی مشخصی را اثبات کند. اجماع زمانی معتبر است که کاشف از قول معصوم باشد که در موضوع حالت ضرورت این امر محقق نشده است. در عین حال، گاهی از ضرورت دین و مذهب به اجماع یاد می‌شود، به نحوی که عموم پیروان دین و مذهب آن موضوع را ضروری دین و مذهب می‌دانند. در موضوع حالت ضرورت و محدوده آن، مسلمانان در طول تاریخ و در مواجهه با خطرهای تهدید کننده نفس، عرض و آبرو و مال خود یا دیگری، اقدام به رفع خطر نموده‌اند و این موضوع به‌قدری در میان مسلمانان مقبول است که تبدیل به ضرورت فقهی شده است.

۱. گاهی از آن تعبیر به گزینش شر کمتر می‌شود (Dubber, 2006: 11).

در میان فقیهان اهل سنت نیز حالت ضرورت بر اساس آیات قرآنی و روایات نبوی و به‌عنوان یک نظریه عام در بخش مسئولیت کیفری تعریف و تبیین شده است (شمس‌الدین، ۱۹۹۹: ۱۰۳). ایشان معتقدند که ضرورت، احکام شرعی را تغییر می‌دهد و در راستای حفظ جان و مال، انجام اعمالی که در حالت عادی حرام هستند، جایز شمرده می‌شود (ابن تیمیه، ۱۳۹۱: ۱۲۳).

۳. تحلیل قلمرو ضرورت در مقررات کیفری

به‌تصریح ماده ۱۵۲ از قانون مجازات اسلامی ایران که در مقام بیان حکم کلی حالت ضرورت در ارتکاب جرم است: «هرکس هنگام بروز خطر شدید فعلی یا قریب‌الوقوع از قبیل آتش‌سوزی، سیل، طوفان، زلزله یا بیماری به منظور حفظ نفس یا مال خود یا دیگری مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود، قابل مجازات نیست، مشروط بر اینکه خطر را عمداً ایجاد نکند و رفتار ارتكابی با خطر موجود متناسب و برای دفع آن ضرورت داشته باشد». اشاره قانون‌گذار در مقام بیان موضوعات مورد حمایت در حالت ضرورت محدود به دو موضوع «نفس» و «مال» خود و یا دیگری است. ماده ۶۱ قانون مجازات مصر نیز بیان می‌کند: «هر کس مرتکب جرمی شود که به دلیل لزوم محافظت از خود یا دیگری از خطر جدی برای خود یا دیگری که در شرف وقوع است و اراده او نقشی نداشته است، مجبور به ارتکاب آن شده است، مجازاتی ندارد».^۱ شرایط دفاع ضرورت در این نظام حقوقی، شامل قریب‌الوقوع بودن، عدم نقش در شکل‌گیری آن، عدم امکان جلوگیری از خطر به روش‌های دیگر و وجود خطر جدی و شدید می‌شود. از شرایط ذکر شده دو مورد آن مربوط به خطر است که شامل شرط زمانی یعنی قریب‌الوقوع بودن و همچنین شرط وضعیتی یعنی جدی و شدید بودن می‌شود. در مقام عمل و رویه قضایی کشور مصر نیز هنگام گزینش و اولویت‌بندی، تأکید بر شرط موقعیتی است. قضات مصری تفسیر گسترده‌تری از دفاع ضرورت ارائه داده‌اند و اجازه می‌دهند که این دفاع در مواردی اعمال شود که تهدید فوری نیست، اما اجتناب‌ناپذیر است. در پرونده شماره ۱۹۹۵/۷۸۹، دیوان عالی مصر حکم داد که دفاع از ضرورت می‌تواند حتی در مواردی که آسیب فوری نیست، مورد استناد قرار گیرد، به شرطی که اجتناب‌ناپذیر باشد (مراد، ۱۹۹۸: ۲۷۸).

خطر جدی و شدید گاه متوجه فرد می‌شود و گاه دیگری را در معرض تهدید قرار می‌دهد، بدین ترتیب موضوعاتی که فرد ممکن است در شرایط اضطراری برای حفظ آن ناچار به اقدام شود، در دو بخش موضوعات

۱. ماده ۶۱ قانون عقوبات مصر: «لا عقاب علی من ارتکب جریمه الجأته إلى ارتکابها ضرورة وقایة نفسه أو غیره من خطر جسيم علی النفس علی وشك الوقوع به أو بغيره ولم یکن لإرادته دخل فی حله ولا فی قدرته منعه بطریقة أخرى».

مرتبط با فرد اقدام کننده و موضوعات مرتبط با دیگری (دیگران) می توان بررسی و سپس موضع حقوق کیفری ایران و مصر در این خصوص را تحلیل نمود.

۳-۱. موضوعات مرتبط با فرد اقدام کننده

دسته اول، از موضوعات مورد حمایت در حالت ضرورت منافع و مصالح مرتبط با فرد اقدام کننده است. در این دسته، اقدام فرد سبب دفع خطری از خود فرد شده و در نتیجه نفعی به او رسیده و یا ضرری از او دفع می شود. با توجه به اتکاء مقررات کیفری دو نظام حقوقی ایران و مصر بر مقررات اسلامی، در این بخش، اشاره به جایگاه موضوع ضرورت و دامنه آن در نوشتار فقیهان و اندیشمندان مسلمان می تواند به تبیین بهتر موضوع کمک کند.

در نوشتار فقیهان، با توجه به اینکه به طور غالب هدف از بیان احکام، تشریح تکالیف فردی بوده است، موضوعاتی از قبیل حفظ جان و دفع ضرر از خود مورد اشاره و تأکید قرار گرفته است. در عین حال در مواردی علاوه بر تلف نفس، تجویز حالت ضرورت به نحوی است که در صورت عدم اقدام و کنار نزدن خطر، فرد مریض شده و یا اینکه رها کردن حرام باعث ناتوانی او و جا ماندن از همراهانش می شود (فاضل مقداد، ۱۴۲۸: ۳۲۲؛ نراقی، ۱۴۱۵: ۲۰). همان گونه که مشخص است، در این مثال ها غایت تجویز اقدام در حالت ضرورت، حفظ یک منفعت مرتبط با مرتکب یا دفع ضرری احتمالی از او است. بدین ترتیب با غلبه فردگرایی در این دیدگاه، مشروعیت اقدام در جهت حفظ منفعتی جمعی محل تردید است.

در حوزه حمایت از منافع و مصالح فردی، برخی از فقیهان با انتخاب رویکردی گسترده (اما همچنان فردی)، خوف از هلاکت، عارض شدن و یا طولانی شدن بیماری^۱ (غزالی، ۱۴۱۷: ۵۶۷)، عرض و آبرو و مال را در ردیف مواردی می دانند که فرد برای حفظ آن می تواند به حالت ضرورت استناد نماید (نجفی، ۱۴۰۴: ۱۱). همچنین در خصوص منافع فردی، در نوشته های مرتبط با بیان مصادیق حالت ضرورت، تکیه بر منافع و مصالح جسمی مشهود است (ابن حزم، بی تا: ۱۲۳) و منافع غیر ملموس و غیر جسمانی فرد، همچون عرض و آبرو کمتر مورد توجه قرار گرفته است. تردیدی نیست که منافع و مصالح معنوی فرد در برخی از مصادیق از درجه اهمیت فراوانی برخوردار بوده و حتی هم ردیف نفس است (نصر، ۲۰۲۲: ۷۶) از همین رو در مقررات اسلامی و در موضوع دفاع مشروع، به دلیل جایگاه و اهمیت موضوع ناموس و شرف و در ردیف دفاع از نفس، موضوع وجوب اقدام و دفاع مطرح می شود^۲ (طباطبایی، ۱۴۲۲: ۶۲۷).

۱. الضرورة خوف طول المرض أو عسر علاجه بترك التناول (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۶: ۳۰۹).

۲. فقیهان دفاع از عرض و ناموس را به خاطر اهمیت فراوان آن در کنار دفاع از نفس ذکر کرده اند و معمولاً این گونه بیان داشته اند: «دفاع از

قانون‌گذار ایران در خصوص محدوده موضوع مورد حمایت، تنها به دو موضوع نفس و مال اشاره نموده است، این مقرر سبب شکل‌گیری این ابهام شده است که آیا شخص برای حفظ سایر موضوعات همچون عرض و آبرو، آزادی، سلامت روان، شغل، جایگاه و منزلت اجتماعی و مواردی از این قبیل می‌تواند به حالت ضرورت استناد نماید یا خیر؟ به‌عنوان مثال، چنانچه یکی از کارکنان شاغل در دستگاه‌های دولتی که در ساختار اداری به واسطه اتخاذ تصمیم مدیر مافوق ظلمی به او شده و در آستانه اخراج قرار گرفته است و تظلم خواهی او از مراجع قانونی به دلیل عدم دسترسی به ادله مثبت حق او منجر به نتیجه مطابق با حقیقت نشده، آیا می‌تواند برای حفظ شغل و جایگاه اجتماعی خود تا زمان دسترسی به ادله اقدام به جعل یک مدرک برای نجات خود از شرایط پیش آمده نماید؟ یا خانمی که در نتیجه وقوع زلزله و خروج ناگهانی از منزل امکان برداشتن پوشش مناسب را نداشته، برای حفظ عرض، اقدام به سرقت از مغازه لباس‌فروشی نماید؟

قانون مجازات مصر با تعبیر عام «محافظة از خود» و با ذکر تعبیر «نفس» که اشاره به شخصیت انسان دارد، طیف وسیعی از موضوعات مرتبط با شخص انسان چه در بُعد جسمانی مثل حیات، آزادی و سلامت اعضا و چه در بُعد معنوی مثل عرض و آبرو و حفظ وجهه اجتماعی را در برمی‌گیرد (نصر، ۲۰۲۲: ۷۶؛ الیاس، ۲۰۱۷: ۲۶). این مقرر با تأکید بر وضعیت شکل گرفته در نتیجه یک «خطر جدی»، به جای ذکر موضوع خاصی و عدم محدودیت در این خصوص، غایت اقدام فرد یعنی «محافظة از خود و دیگری» را در مقابل یک «خطر جدی» مورد تأکید قرار داده است. در عین حال، در نظام حقوقی مصر خطر علیه نفس زمانی جدی (جسیم) محسوب می‌شود که در فرد ترس از فروپاشی موجودیت خود (اعم از مادی یا معنوی) ایجاد کند و هر خطری را نمی‌توان جدی قلمداد نمود. بنابراین، خطری که صرفاً به کیان فرد آسیب می‌زند بدون آنکه تهدیدی به فروپاشی آن باشد، خطر جدی تلقی نمی‌شود. همچنین، خطری که منجر به محرومیت انسان از پاسخ به یک نیاز شود، خواه این نیاز ناشی از غریزه جنسی یا مالکیت باشد تا زمانی که عدم پاسخ به این نیاز منجر به تهدید فروپاشی کیان فرد نشود، خطر جسیم محسوب نمی‌شود (بهنام، ۱۹۹۷: ۶۳).

نباید از نظر دور داشت که جدی بودن خطر یک امر مطلق نیست، بلکه نسبی است و به اعتقاد مرتکب جرم بستگی دارد. به‌عنوان مثال، اگر زنی به دلیل بارداری و برای پاسخ به نیاز خود به چیزی، آن را بدزدد و این عمل ناشی از ترس او برای حفظ کیان جنین در رحمش و جلوگیری از نقص در تشکیل جنین باشد، قاضی باید او را تبرئه کند. اما اگر فردی به منظور گذراندن دوران نقاهت پس از بیماری، مبلغی پول بدزدد، این سرقت در حالت ضرورت قرار نمی‌گیرد، زیرا خطر جدی (جسیم) وجود نداشته است. همچنین،

گرسنگی و سرما که با مشقت معمولی قابل تحمل باشند، خطر جسيم محسوب نشده و از مجازات سرقت معاف نمی‌کنند. دیوان عالی مصر نیز حکم کرده است که صغر سن متهم و زندگی او با والدین و نیازش به آن‌ها، خطری جدی ایجاد نمی‌کند که مشارکت او با مادرش در خرید و فروش مواد مخدر را توجیه کند. اگر خطر به حدی جدی نباشد که فرد را مجبور به انجام عمل حرام کند و تهدیدی برای جان ایجاد نکند، نمی‌توان گفت حالت ضرورت محقق شده است (نصر، ۲۰۰۲: ۱۰۰).

بنابراین تشخیص مصادیق فردی موضوع حالت ضرورت در نظام حقوقی مصر ارتباط مستقیمی با شدت خطر شکل گرفته خواهد داشت. در مقام عمل و با لحاظ شدت خطر، دفاع ضرورت در موارد مختلفی در دادگاه‌های مصر مورد استناد قرار گرفته است. از جمله موارد مربوط به دزدی برای جلوگیری از گرسنگی شدید و برای حفظ جان، تجاوز به ملک دیگران برای فرار از خطر جدی و حتی مداخلات پزشکی بدون رضایت برای نجات جان افراد می‌توان اشاره کرد. به عنوان مثال، در یک پرونده مهم، دادگاه عالی مصر حکم داد که پزشکی که بدون رضایت بیمار عمل جراحی اورژانسی انجام داده بود، تحت دفاع ضرورت توجیه شده است، زیرا جان بیمار در خطر فوری قرار داشت (Lee, 2018: 310). در خصوص موضوعات فردی نظام حقوقی مصر نسبت به اقدام فرد برای حفظ «مال» و برخلاف مقررات ایران سکوت اختیار نموده است که به نظر می‌رسد عدم پذیرش آن به واسطه نسبی بودن ارزش آن متناسب با شرایط افراد از حیث غنا و نیازمندی و احتیاج خود فرد به آن مال است (نصر، ۲۰۰۲: ۱۰۰).

در حقوق ایران ممکن است برخی تلاش نمایند تا با توسعه مفهوم «نفس» مندرج در ماده ۱۵۲، مواردی از قبیل عرض و آبرو را نیز در شمول آن قرار دهند. باید توجه داشت که طبق بیان اهل لغت و لزوم مراجعه به معانی عرفی در تفسیر واژه‌های به کار رفته در مواد قانونی، نفس در لغت به معنای تن و روان است (معین، ۱۳۷۷: ۴۷۷۳). چنانچه گفته شود که تن و روان مفهومی کلی دارد و هم شامل جنبه جسمانی و هم جنبه روحی و روانی می‌شود، با این اشکال مواجه خواهیم شد که قانون‌گذار در کنار حالت ضرورت و در ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی هنگام ذکر موضوعات مورد حمایت از دفاع مشروع، علاوه بر نفس و مال، در مقام بیان، عرض، ناموس و آزادی تن را نیز ذکر کرده است. بنابراین چنانچه مراد قانون‌گذار از واژه نفس در ماده ۱۵۲، مفهوم موسع آن با تمام ابعاد مدنظر بود، ضرورتی به ذکر سایر موارد مثل عرض و آبرو و آزادی تن در ماده ۱۵۶ نبود.

باین وجود مقررات کیفری ایران در تعیین دامنه حمایت، از الگوی واحدی تبعیت نمی‌کند. اتخاذ رویکرد دوگانه بدین قرار است که قانون‌گذار در خصوص موضوعات خاص و مشابه که علی‌القاعده در ساختار کلی

حالت ضرورت جای می‌گیرند، سخنی از ذکر موضوع و تقیید آن نکرده است. به‌عنوان مثال ماده ۵۹۱ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مقرر می‌دارد: «هرگاه ثابت شود که راشی برای حفظ حقوق حقه خود ناچار از دادن وجه یا مالی بوده، تعقیب کیفری ندارد و وجه و مالی که داده به او مسترد می‌گردد». قانون‌گذار در این ماده، ناچار از پرداخت وجه به‌عنوان رشوه و برای حفظ حق خود را به‌طور مطلق مورد اشاره و تجویز قرار داده است، درحالی‌که این حق ممکن است حفظ جان یا مال نباشد و یا اینکه در تبصره ماده ۵۹۲ قانون مذکور مقرر می‌دارد: «در صورتی که رشوه دهنده مضطر بوده و یا پرداخت آن را گزارش دهد یا شکایت نماید، از مجازات حبس مزبور در ماده، معاف خواهد بود و مال به وی مسترد می‌گردد». در این ماده نیز قانون‌گذار مطلق حقوق و منافع را مورد حمایت قرار داده و برخلاف مقررات ماده ۱۵۲ قانون مجازات اسلامی، موضوع خاصی را مورد توجه و احصاء قرار نداده است و این در حالی است که در ماده ۱۵۲، در بخش کلیات و در مقام بیان قاعده کلی حالت ضرورت محدودیت موضوعات مشاهده می‌شود و انتظار می‌رفت با یک بیان کلی و قاعده‌ساز برخلاف موارد خاص، بتواند به‌عنوان یک ماده عام مورد استناد قضات محترم در رسیدگی به دعاوی تحت این عنوان قرار گیرد.

به نظر می‌رسد برای یافتن یک نگاه جامع و هدفمند به این موضوع، لازم است که به فلسفه تشریع آن رجوع کرد. از عبارات اندیشمندان و فقیهان می‌توان برداشت نمود که مبنای مشروعیت اقدام در چنین حالتی نوعی ترخیص شرعی در راستای نفی عسر و حرج بر مکلفین است. مرحوم صاحب جواهر پس از تعریف و بیان منابع آن اضافه می‌کند: «مصادر قاعده اضطرار، نفی ضرر و ضرار، نفی حرج و آسان‌گیری و تسامح است...^۱»؛ بنابراین در هر وضعیت سختی که نتیجه آن ضرری مهم و خسارتی بزرگ متوجه یکی از منافع و مصالح فرد شده است، خداوند از چنین فردی انتظار رفتار قهرمان‌گونه نداشته و ضمن سهل‌گیری و ترخیص، با رعایت دیگر شروط مقرر در چنین وضعیتی، هرگونه سختی و حرج را نسبت به موضوعات متصور نفی می‌نماید.^۲ در مقام عمل و رویه قضایی برخی از کشورها قضات نیز تلاش کرده‌اند ضمن رجوع به مبنای تجویز حالت ضرورت، اقدام به توسعه موضوع و توصیفی ورای الفاظ قانون^۳ نمایند.

۱. «و إلى قاعدة نفی الضرر و الضرار و نفی الحرج و إرادة اليسر و سهولة الملة و سماحتها و قاعدة كلما غلب الله عليه فهو أولى بالعدالتی ينتفع منها ألف باب-و إلى ما فی خبر المفضل الطویل من «أنه تعالى علم ما تقوم به أبدانهم و ما يصلحهم فأحلله لهم و أباحه تفضلاً منه عليهم به لمصلحتهم و علم ما يضرهم فنهاهم عنه و حرمة عليهم، ثم أباحه للمضطر، فأحلله في الوقت الذي لا يقوم بدنه إلا به، فأمره أن ينال منه بقدر البلغة لا غير» (نجفی، ۱۴۰۴: ۴۲۵).

۲. در برخی از نظام‌های حقوقی دیگر نیز رویکرد فلسفه نگر ملاک عمل قرار گرفته است (Bohlender : 2009, 106). در حقوق جزای آمریکا نیز، محدودیتی برای مصادیق خطر موضوع دفاع ضرورت وجود نداشته و مطلق منافع قانونی شخص، به استناد دفاع ضرورت، قابل حمایت دانسته شده است (Wayne R-Lafave).

۳. به‌عنوان یک رفتار درست و صحیح (Robinson: 1975, 274) گرچه برخی تمایل نشان داده‌اند که در نوشتار خود در خصوص کسی که

۲-۳. موضوعات مرتبط با دیگری

در کنار موضوعات فردی که هدف نهایی از اقدام مضطر جهت حفظ منفعت و یا مصلحتی فردی برای خود است، وضعیت اضطراری در برخی از موقعیت‌ها ممکن است خطری را متوجه فرد دیگر یا جمعی از افراد اجتماع نماید که در چنین شرایطی فرد برای حفظ آن منفعت و مصلحت ناگزیر از ارتکاب عمل ممنوع شود که اقدام فرد در چنین موقعیتی منجر به شکل‌گیری رویکردی مشارکتی در جهت ایفای نقش اجتماعی است.

در میان فقیهان و اندیشمندان مذاهب مختلف اسلامی نیز گروهی از فقیهان علاوه بر اقدام برای حفظ موضوعات فردی، کمک برای حفظ منافع فرد دیگر و مصلحت عمومی^۱ را نیز جایز می‌دانند (نصر، ۲۰۲۲: ۷۶). همچنان که مرحوم صاحب جواهر در جایی که خوف از تلف نفس یا خطری نسبت به عرض و آبروی دیگران باشد قائل به شکل‌گیری حالت ضرورت است؛ مانند جایی که در اثر یک خطر فوری، فرد خوف به خطر افتادن جان، آبرو یا مال محترمی را دارد که حفظ آن بر او واجب است (نجفی، ۱۴۰۴: ۴۲۷). نباید از نظر دور داشت که در نگاه ایشان، وجود رابطه و پیوند فردی که منشأ وجوب حفظ باشد، به‌عنوان یکی از شرایط برای اقدام است. چراکه ایشان با ذکر قید «حفظ آن بر او واجب است»، موضوع را مقید به مواردی خاص از قبیل حمایت پدر یا مادر از کودک خود می‌نماید؛ اما موارد مبتنی بر رویکرد اجتماع‌گرایانه مثل اقدام راننده‌گذاری که خانواده‌ای را گرفتار در ماشین سانحه دیده می‌بیند و اقدام به کمک می‌نماید، بی‌آنکه الزامی بر حفظ جان آن‌ها داشته باشد را مسکوت گذاشته‌اند.

در مقررات دینی نیز در عبارات برخی از فقیهان، در کنار ذکر موضوعات تهدید کننده فرد و دیگری همچون حفظ جان، منافع و مصالح جمعی نیز مشاهده می‌شود و مواردی را می‌توان یافت که ضمن پرداختن به یک وضعیت خاص مخاطره‌آمیز و گاهی در کنار ضرورت،^۲ منافع جمعی را به‌عنوان نتیجه رخصت در حالت ضرورت قرار داده‌اند (زحیلی، ۲۰۰۵: ۱۰۲). به‌عنوان نمونه، در جنگ با سپاه کفر، کشتن دیوانگان، کودکان و زنان آن‌ها جایز نیست؛ هر چند به کفار کمک کنند، مگر در وضعیت اضطراری که پیروزی بر کفار مستلزم کشتن افراد مذکور باشد (نجفی، ۱۴۰۴: ۷۳). چراکه هدف نهایی از جنگ در چنین مواردی کنار زدن فتنه و اعتلا کلمه حق است (یزدی، ۱۴۱۵: ۲۵۹). بنابراین در مواردی که خطری قریب‌الوقوع و یا فعلیت یافته علیه جمع زیادی از شهروندان شکل گرفته است، فرد با استناد به حالت ضرورت می‌تواند اقدام به رفع

برای حفظ جان خود مقداری غذا برمی‌دارد، از تعبیر سرقت استفاده نمایند (Berger: 2002, 851).

۱. رک: (شوشتری، ۱۴۲۷: ۱۷۹؛ خمینی، ۱۴۲۲: ۵۳).

۲. (مازندرانی، ۱۴۱۳: ۲۰).

خطر نماید. به‌عنوان مثال فردی که مبتلا به یک بیماری واگیردار خطرناک شده است و بدون رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی در یک مکان عمومی حاضر شده است را تا رسیدن ماموران ذی‌صلاح توقیف نماید و یا از ورود او به کشور ممانعت به عمل آورد. یا اینکه مقام دولتی با علم به اینکه تصمیم اقتصادی فعلی منجر به شکل‌گیری بحران جدی در بازار سرمایه خواهد شد و برای جلوگیری از یک تلاطم اقتصادی که اموال جمع زیادی از شهروندان را در معرض آسیب قرار خواهد داد، به‌عنوان تنها راه چاره، اقدام به تهیه گزارشی خلاف واقع جهت منصرف کردن تصمیم‌گیرندگان کند^۱ (قرطبی، ۱۳۸۷: ۲۲۵).

هیچ‌آنکه فقها و از باب رعایت منافع فردی و جمعی و بدون تقیید، ارتکاب سرقت برای دفع اضطرار را جایز می‌دانند (خمینی ره، ۱۳۸۵: ۵۱۴). این سرقت گاه ممکن است در راستای حفظ جان خود باشد و یا اینکه فرد برای نجات جان و عرض افراد گرفتار در زلزله، از مغازه‌ای مقداری خوراکی و لباس سرقت کند. از حوادث و مصادیق تمثیلی ذکر شده در ماده ۱۵۲ نظیر سیل، طوفان، زلزله که معمولاً اهالی یک منطقه را تحت تأثیر و در معرض خطر می‌دهد و بیان «دیگری» در ماده ۱۵۲ قانون مجازات اسلامی و ماده ۶۱ قانون مجازات مصر هم می‌توان افاده عمومیت خطر در نظام حقوقی دو کشور کرد. در خصوص ارتباط یا عدم ارتباط میان فرد اقدام‌کننده و «دیگری» در معرض خطر، نظام حقوقی ایران و مصر، موضع یکسانی را اتخاذ نموده‌اند و بی‌آنکه وجود «ارتباط» میان فرد اقدام‌کننده و فرد در معرض خطر را شرط بدانند، از حیث موضوع مجاز برای اقدام نیز، «خود» و «دیگری» را یکسان قلمداد نموده است (الیاس، ۲۰۱۷: ۲۶).

سؤالی اینجا مطرح است اینکه چنانچه خود فرد در شکل‌گیری خطر نقش داشته باشد تکلیف چیست؟ آیا فرد پس از اقدام اولیه می‌تواند برای رفع خطری که برای خود و دیگران ایجاد کرده است به حالت ضرورت استناد نماید یا خیر؟ در نظام حقوقی مصر به تصریح قانون، خطر هشدار دهنده ضرر جدی (جسیم) نباید ناشی از اراده فاعل باشد. بنابراین فردی که عمداً در یک سالن تئاتر آتش روشن می‌کند و باعث ایجاد وحشت در میان تماشاگران می‌شود، در خصوص دفع خطر هنگام هجوم حاضران به سمت درب خروجی برای رفع خطر از خود و دیگری مجاز به آسیب به دیگران نیست، زیرا اوست که با اراده خود خطر را ایجاد کرده است، درحالی‌که می‌توانست آن را پیش‌بینی کند (محمد عبدالله، ۲۰۱۵: ۱۰۳). این موضوع در ماده ۱۵۲ از قانون مجازات اسلامی ایران نیز مورد تصریح قرار گرفته است.

به اعتقاد دکترین مصری و با تفکیک موارد غیرعمد از عمدی، شخصی که به سبب بی‌احتیاطی، باعث اشتعال آتش در یک مکان تفریحی شود و در ازدحام مردم به سمت خروجی، موجب آسیب شدید به یکی از

۱. اضطرار به قول باطل.

افراد گردد، درحالی که خود راه نجات را پیش می گیرد، می تواند به حالت ضرورت استناد کند تا از مسئولیت جرم خود رهایی یابد. زیرا اگرچه او مرتکب رفتار همراه با بی احتیاطی شده که منجر به اشتعال آتش گردیده، اما قصد اشتعال آتش را نداشته است، یعنی قصد ایجاد خطر را نداشته و اقدام بعدی با حسن نیت بوده است. معیار در اینجا نفی قصد از عامل ایجاد کننده حالت ضرورت است، به شرطی که حالت ضرورت به صورت اتفاقی و غیر عمدی رخ داده باشد (نجیب حسنی، ۱۹۸۹: ۳۱۲؛ ر. ک: الحسن، ۲۰۲۵: ۱۹۲).

موضوع دیگر مرتبط با دفع خطر از دیگری و به عنوان یکی از شرایط اقدام، الزام یا عدم الزام فرد یاری رسان در مواجهه با خطر می باشد. در نظام حقوقی ایران برخلاف نظام حقوقی مصر، عدم معافیت شخصی که به موجب قانون ملزم به مواجهه با خطر است از مسئولیت در حالت ضرورت پیش بینی شده است. اما دکترین مصری معتقد است طبق نظر فقیهان این معافیت یک شرط بدیهی است و شخصی که این وظیفه به او محول شده، آموزش دیده تا در چنین شرایطی و تحت سطوح مختلف خطر و فشار به نحو مشخصی عمل کند (فتحی سرور، ۲۰۱۵: ۶۶). اگر فرد آموزش دیده با خطری مواجه شود، باید آن را تحمل کند و با آن مقابله کند و نمی تواند از آن فرار کند. در این زمینه، تنها الزام قانونی مد نظر است و الزامات اخلاقی، دینی یا اجتماعی مورد توجه نیستند. بر این اساس، حالت ضرورت معاف کننده از مجازات برای افرادی مانند مأموران نجات در سواحل عمومی، سربازان در میدان نبرد، آتش نشانان در برابر خطر آتش سوزی و کاپیتان کشتی در حال غرق، برای رفع خطر از خود قابل اعمال نیست. همه این افراد ملزم به مواجهه با خطر و مقاومت در برابر آن برای رفع خطر از دیگری هستند و هیچ یک نمی توانند برای فرار از خطر مرتکب جرم شوند (محمد عبدالله، ۲۰۱۵: ۱۰۳).

گاهی نیز الزام به دفع خطر توسط دیگری ممکن است منجر به انتقای حالت ضرورت شده و اقدام خود فرد در معرض خطر غیرموجه قلمداد شود؛ مانند جایی که قانون تکلیف به دفع خطر را بر عهده دیگری (مثلاً آتش نشان) قرار داده است و فرد با وجود وسعت زمانی و امکان تماس و استمداد از نهاد مسئول، اقدام به سرقت کپسول اطفاء حریق از منزل همسایه می نماید. قانون برای معافیت شخص مضطر و کسی که با وضعیت ضروری مواجه است، شرط می گذارد که شخص نتواند خطر را دفع کند یا حتی از آثار آن جلوگیری نماید یا تقاضای کمک کند. این موضوع در ماده ۶۱ قانون مجازات مصر همانند ماده ۱۵۲ قانون مجازات اسلامی ایران تصریح شده است و بدان معناست که عمل ارتكابی باید برای دفع خطر یا فرار از آن ضروری باشد و هیچ راه دیگری برای نجات وجود نداشته باشد. اگر مجرم بتواند به جای ارتكاب جرم، از راه های دیگری مانند درخواست کمک از مراجع قانونی استفاده کند، اما از این کار خودداری نماید، دیگر نمی تواند

به وضعیت ضروری استناد کند (محمی‌الدین عوض، ۱۹۸۱: ۵۱۴). بدون تردید تجویز حالت ضرورت در راستای کمک به فرد یا گروهی است که منافع و مصالح آن‌ها در معرض تهدید قرار گرفته و اقدام کننده در حالت ناچاری از ارتکاب جرم و یا پذیرش آثار عدم اقدام قرار گرفته است که سیره عقلا در چنین مواردی حکایت از اقدام و حفظ منفعت یا مصلحت مهم‌تر می‌باشد. از حیث منافع عمومی نیز اقدام مضطر حافظ مصالح و منافع جمعی خواهد بود که در چنین مواردی موضوع اقدام به واسطه رعایت مصلحت عمومی از اهمیت بیشتری برخوردار می‌باشد. بنابراین موضوع مهم صدق عنوان مضطر بر فرد و بر اساس موقعیت خواهد بود و فرقی نخواهد داشت که پیامد واکنش او حفظ جان است یا آبرو و یا مال، منافع خود فرد، دیگری و یا گروهی از شهروندان باشد.

نتیجه گیری

موضوع توجیه ارتکاب عمل مجرمانه در حالت ضرورت، با هدف کنار زدن وضعیت اضطراری و حفظ منافع یا مصالح مهم‌تر، در قوانین کیفری ایران و مصر مورد توجه قرار گرفته است. در مقررات کیفری ایران، رویکرد «موضوع‌محور» به جای «موقعیت‌محور» اتخاذ شده است که این امر باعث تداوم محدودیت‌های قوانین پیشین شده است. در عمل، افراد در مواجهه با خطرات گوناگون، ممکن است با تهدیداتی روبه‌رو شوند که جان، تمامیت جسمانی، عرض، مال خود یا دیگری و یا مصالح جمعی را در معرض خطر قرار دهد. در چنین شرایطی، فرد برای حفظ مصلحت مهم‌تر ناگزیر از ارتکاب عملی ممنوع می‌شود تا خطر را دفع کند. با این حال، رویکرد حداقلی مقررات ایران و عدم توجه کافی به فلسفه تشریع حالت ضرورت، موجب شده است که موضوعاتی مانند عرض و مصالح اجتماعی به‌طور صریح مورد توجه قرار نگیرند که این رویکرد با ایرادات قابل توجهی مواجه است.

در مقابل، مقررات کیفری مصر با استفاده از عبارت عام «محافظة از خود و دیگری» و تأکید بر موقعیت و شدت خطر، به جای محدود کردن موضوعات خاص، دامنه اقدامات فرد را گسترش داده است. البته، برخلاف قوانین ایران، مقررات مصر مال را به عنوان موضوع قابل حمایت در حالت ضرورت تجویز نکرده است. با الهام از دیدگاه فقیهان و اندیشمندانی که با استناد به آیات و روایات، مبانی و فلسفه تشریع حالت ضرورت (که بر اساس رعایت حال بندگان و سهل‌گیری در شرایط دشوار استوار است)، می‌توان دامنه مجوز اقدام در حالت ضرورت را گسترش داد. این رویکرد باید شامل طیف وسیعی از منافع فردی و جمعی باشد که در معرض خطر قرار می‌گیرند. به عنوان مثال، فرد باید بتواند در مواجهه با خطراتی که آبرو و آزادی تن یا مصالح اجتماعی مانند سلامت عمومی و اقتصاد کلان را تهدید می‌کند، اقدامات لازم را انجام دهد.

با توجه به موارد فوق، پیشنهاد می‌شود که در اصلاح قوانین، رویکردی مشابه مقررات مصر اتخاذ شود. بدین ترتیب، محدودیت‌های موضوعی در حالت ضرورت کاهش یابد و مقرره‌ای به این شکل تدوین گردد: «هرکس در مواجهه با خطر شدید فعلی یا قریب‌الوقوع، مانند آتش‌سوزی، سیل، طوفان، زلزله یا بیماری، به منظور محافظت از خود، دیگری یا منافع و مصالح جمعی، مرتکب عملی شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود، در صورتی که خطر را عمداً ایجاد نکرده باشد و عمل ارتكابی با خطر موجود متناسب و برای دفع آن ضروری باشد، قابل مجازات نخواهد بود...»

فهرست منابع

قرآن کریم

موسوی خمینی، سید روح الله (۱۴۲۲)، استفتاءات (امام خمینی)، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم (۱۳۹۱)، در تعارض العقل والنقل، تحقیق: محمد رشاد سالم، ریاض: دارالکتوز العربیة. ابن حزم، علی بن احمد (بی‌تا)، المحلی، تحقیق: احمد محمد شاکر، جلد ۷، بیروت: دارالآفاق الجدیدة. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۱۱۹)، لسان العرب، جلد ۴-۱، قاهره: دارالمعارف. بهنام، رمسیس (۱۹۹۷)، النظرية العامة للقانون الجنائي، اسکندریه: منشأ المعارف. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸)، تفسیر تسنیم، جلد ۱۵، چاپ دوم، قم: اسرا. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، وسائل الشیع، جلد ۱۵، قم: مؤسسه آل البيت (ع). الحسن، عبد العزیز (۲۰۲۵)، «تقديم المساعدة أو الإغاثة وحالة الضرورة في القانون الجنائي الإماراتي والمقارن»، مجلة جامعة الإمارات للبحوث القانونية، العدد المنة.

حسنی، هاشم معروف (۱۴۱۱)، تأریخ الفقه الجعفری، قم: دار الكتاب الإسلامی. حمیری، نشوان بن سعید (۱۴۲۰)، شمس العلوم و دواء كلام العرب من الكلوم، جلد ۶، بیروت: دار الفكر المعاصر. خواجوی، محمد اسماعیل (۱۴۱۳)، الفوائد الرجالية (للخواجوی)، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية. رحمانی، محمد (۱۳۷۶)، «قواعد فقهی (۳) قاعده اضطرار»، فقه اهل بیت، شماره ۹. زحیلی، وهبة (۲۰۰۵)، الفقه الإسلامی وأدلته، دمشق: دارالفکر. شاذلی، سید بن قطب بن ابراهیم (۱۴۱۲)، فی ظلال القرآن، جلد ۳، چاپ هفدهم، قاهره: دارالشرق. سیفی مازندرانی، علی اکبر (۱۴۱۷)، دلیل تحریر الوسيلة - الستر و الساتر، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ع). اشرف توفیق، شمس الدین (۱۹۹۹)، مبادئ القانون الجنائي الدولي، قاهره: دارالنهضة العربیة. شمس ناتری، محمد ابراهیم و عبدالله یار، سعید (۱۳۹۰)، حالت ضرورت و دفاع مشروع، تهران: مجد. صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۴۱۶)، هداية العباد، قم: دار القرآن الکریم. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳)، من لا یحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، جلد ۱، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی. طباطبایی، سید علی (۱۴۲۲)، ریاض المسائل، چاپ اول، قم: نشر اسلامی. طیب، سید عبدالحسین (۱۳۷۸)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، جلد ۲، چاپ دوم، تهران: اسلام. غزالی، ابوحامد محمد (۱۴۱۷)، المستصفی من علم الاصول، جلد ۲، تحقیق: محمد بن سلیمان الاشقر، بیروت: مؤسسه الرسالة.

فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶)، كشف اللثام والایهام عن قواعد الاحکام، جلد ۱۰، بی‌جا، قم: دفتر انتشارات اسلامی. فتحی سرور، احمد (۲۰۱۸)، القانون الجنائي: القسم العام، اسکندریه: دار المطبوعات الجامعیة.

- قبله‌ای خویی، خلیل (۱۳۸۰)، قواعد فقه-بخش جزا، تهران: سمت.
- قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد (۱۳۸۷)، **الجامع لاحکام قرآن**، جلد ۲، چاپ سوم، قاهره: دارالکتب العربی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، **الکافی**، تهران: دار الکتب الإسلامية.
- عبدالباقی، محمدفؤاد و مالک بن انس (۱۴۰۶)، **الموطا**، جلد ۲-۱، بیروت - لبنان: دار إحياء التراث العربی.
- محمد عبدالله، محمود (۲۰۱۵)، **احکام الضرورة فی القانون الجنائي**، قاهره: انتشارات دار النهضة العربیه.
- عبدالمنعم، محمود عبدالرحمان (بی‌تا)، **معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهية**، جلد ۱، قاهره: دارالفضیله.
- محمی‌الدین عوض، محمد (۱۹۸۱)، **القانون الدولي الجنائي**، مصر: مطبعة جامعه القاهرة.
- مرعشی شوشتری، سید محمدحسن (۱۴۲۷)، **دیدگاه‌های نو در حقوق**، تهران: میزان.
- مظفر، محمدرضا (۱۳۷۰)، **اصول الفقه**، جلد ۱، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
- معین محمد (۱۳۷۷)، **فرهنگ معین**، جلد ۱، چاپ چهارم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مقداد، فاضل (۱۴۲۸)، **کنزالعرفان فی فقه القرآن**، چاپ سوم، قم: نوید اسلام.
- موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم (۱۴۲۷)، **فقه الحدود و التعزیرات**، جلد ۱، چاپ دوم، قم: مؤسسه النشر لجامعة المفید.
- موسوی خمینی، سید روح الله، (۱۳۸۵)، **تحریر الوسيله**، جلد ۲، چاپ هفتم، قم: انتشارات دارالعلم.
- میبدی، احمد بن ابی سعد رشید الدین (۱۳۷۱)، **کشف الاسرار و عده الابرار**، جلد ۳، تهران: امیرکبیر، چاپ پنجم.
- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴)، **جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام**، جلد ۳۶-۱۵، چاپ هفتم، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- نجیب حسنی، محمود (۱۹۸۹)، **شرح قانون العقوبات: القسم الاعام**، القاهرة: دار النهضة العربیه.
- نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۵)، **مستند الشیعة فی أحكام الشریعة**، جلد ۱۵، چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البيت (ع).
- نصر، محمد (۲۰۲۲)، «نطاق الضرورة و اختلاف آثارها على المسئولية الدولية و الوطنية»، **المجلة الجنائية القومية**، المجلد الخامس والستون، العدد الأول.
- الیاس، ابراهیم احمد (۲۰۱۷)، «حاله الضروره و اثرها على المسئولية الجنائية فی القانون الدولي الجنائي»، **المجلة المصريه للقانون الدولي**، الثالث و السبعون.
- یزدی، محمد (۱۴۱۵)، **فقه القرآن (للیزدی)**، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- مراد، عبدالفتاح (۱۹۹۸)، **نظریات القانون الجنائي**، اسکندریه: منشأة المعارف.

References

- Berger, L. Benjamin (2002), **A Choice Among Values: Theoretical and Historical Perspectives on The Defence Of Necessity**, Alberta Law Review, Vol. 39 (4).
- Bohlander, Michael (2009), **Principles Of German Law**, Oxford and Portland Oregon.
- Dubber, Markus (2006), **Theories of Crime and Punishment in German Criminal Law**, American Journal of Comparative Law.
- Lee, Janice (2018), **The 2011 Egyptian Revolution and the Defence of Necessity: Case Note on the Award in Unión Fenosa Gas, S. A. v. Egypt**, Contemporary Asia Arbitration Journal, Vol. 11.
- Robinson, H. Paul (1975), **A Theory of Justification: Societal Harm as a Prerequisite for Criminal Liability**, University of Pennsylvania Carey Law School.